



سال سوم■ شماره ۷۹۷ ■ یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۸۵ ■ ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۰ جولای ۲۰۰۶

گزارش بازی

پیروزی فیل بزرگ

پرتغال صفر - انگلیس صفر
(در پایان وقت های عادی و اضافی)
پرتغال ۳ - انگلیس یک (در ضربات پنالتی)



گروه ورزش، وصال روحانی : در تیم ملی فوتبال انگلیس و پرتغال سومین دیدار از مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۰۶ را عصر دیروز در ورزشگاه گلزن کرشن آلمان در حضور ۵۳ هزار تماشاگر با یک سلاح مشترک و واحد آغاز کردند و آن سلاح احتیاط بود. انگلیس با روش ۱-۴-۱ به میدان آمد و فقط وین رونی را در نوک حمله داشت هرچند جو کول و بکام وظیفه داشتند که هر لحظه از دو گوش بتازند و جزء خط حمله شوند. لوئیس فیلیپه اسکولاری مربی برزیلی پرتغال نیز تیشم را با روش دفاعی ۱-۴-۵ به میدان فرستاد و در این سیستم نیز فقط پدرو پائولتا در خط حمله پرتغال ایستاده بود و البته اینجا هم قرار بود که کریستیانو رونالدو و فیگو هرلحظه به خط حمله پیوندند و موقعیت های گلزنی ایجاد کنند. غیبت دکو و کاشتیپیا و به خصوص اولی نمی توانست در ترکیب پرتغال محسوس نباشد. اینها ضایعاتی بود که نایب قهرمان جام ملت های اروپا بابت بازی بسیار پربخورش ها هلند در مرحله قیلی و کسب پیروزی ۱- صفر در آن دیدار متحمل شده بود. با این حال فیل بزرگ هنوز « کریستیانو رونالدو»ی تازه از مصدومیت رسته را در اختیار داشت تا با تکیه بر مهارت های فنی او گاه و بی گاه به اردوی انگلیس بزند و بخت آزمایش کند. انگلیس هم با قرار های کم شمار نویل و جرارد از راست و کول از سمت چپ سعی می کرد راهی برای فرو روختن دروازه ریکاردو بایباد، اما حقیقت آن بود که هیچ یک از دو تیم در نیمه اول به طور کامل دل به حمله نمی سپردند و ابتدا به میدان آمد بودند تا گلی نخورند. اینچنین بود که نیمه اول بدون گل سپری شد و حتی درصدد تملک توپ توسط دو تیم نیز نزدیک به ۵۰-۵۰ بود. شوت رونی از پشت ۱۸ قدم در دقیقه ۹، شوت مشابه کریستیانو رونالدو در دقیقه ۱۰ که هر دو توسط دروازه بانان مهار شدند، شوت فیگو از درون ۱۸ قدم در دقیقه ۴۰ که با فاصله کمی از دروازه به آوت رفت و سرانجام شوت دقیقه ۴۴ فرانک لمپارد که در آغوش ریکاردو آرام گرفت، مهم ترین وقایع این نیمه بودند که در آن بازی محکم و توأم با احتیاط بر هر چیز دیگری سایه انداخته بودو حاصل چنین حافیک سختکوش پرتغال تملک گرفت. در ۶ دقیقه آغازین نیمه دوم یک اتفاق مهم افتاد و آن بیرون رفتن دیوید بکام (که لنگ می زد) از میدان و آمدن آرون لئون هافیک ۱۷ ساله تانهاام به جای وی بود. استفاده وسیع تر از لئون چیزی بود که از سوی کارشناسان فوتبال انگلیس به اسون گوران اریکسون به کرات پیشنهاد شده بود اما دیروز مصدومیت ستاره ژال مادرید و وردی که بر چهره وی نشست چنین تغییر و اقدامی را لزوم ساخت. فقط ۵ دقیقه از این تعویض می گذشت که لئون سمت چپ خط دفاعی پرتغال را به هم ریخت تا شاید صحت حرف حامیان خود را نشان بدهد، اما رونی و سپس جو کول قدر توپ ارسالی و پاس زمینی وی را ندانستند تا بهترین فرصت گلزنی از دست تیم انگلیس برود و شوت کول قویاب خالی بالای دروازه را بشکافد. برای این که دومین واقعه بزرگ این دیدار نیز شکل بگیرد، در دقیقه ۶۵ وین رونی هم از زمین اخراج شد. مهاجم پرقدردر که «عوایی» انگلیس پس از درگیر شدن با دو بازیکن پرتغال در مرکز میدان یکی از آنها را هل داد و بددنی هم کرد و داور در تصمیمی (شاید) غیر منتظره بلافاصله کارت قرمز را روبه روی او گرفت و شوک را در اردوی انگلیس و حیرت را بر سکوها حاکم ساخت. تدبیر اریکسون برای بی اثر کردن این رویداد، آوردن پتر کراوج بازیکن ۲۱متری تیشب به میدان بود تا لافل یک مهاجم (سوزن) برای وارد کردن فشار به خط دفاعی تیم «فیل بزرگ» داشته باشد اما بدبهی بود که پس از آن حملات «پرتغال ۱ نفره» در تقابل با «انگلیس ۱ نفره» بیشتر باشد و کار تری، فردیپاند، کشلی کول و حتی هارگریوز و لمپارد که به کارهای دفاعی اندکی شده بودند، برای دفع توپ های ارسالی فیگو و رونالدو سخت تر شود. ورود سیمائو سابروسا و سپس هوگو دینا به میدان و اضافه شدن آنها به ترکیب پرتغال از سایر مواردی بود که کارایی تهاجمی این تیم را بیشتر و دشواری های تیم انگلیس را بیشتر کرد.

ادامه در صفحه آخر

بازیگر یا مدل تبلیغاتی؟

گفت وگو با سعید کنگرانی

سعید کنگرانی بازیگری را از هفت سالگی و آنچنان که خودش می گوید بی آنکه بداند حقیقت سینما چیست آغاز کرد. دایره مینا (داربوش مهرجویی)، سرایدار (خسرو هرنش) و... از جمله کارهای اوست. با بازی در سریال دایی جان ناپلئون (ناصر تقوایی) عضوی از اعضای خانواده ها شد. پس از انقلاب چهار فیلم بازی کرد. سه فیلم بین سال های ۵۸ تا ۶۰ و اولین کارش بعد از سال ها دوری از وطن فیلم «ازدواج به سبک ایرانی» است. حضور دوباره این...

صفحه ۱۵

روزنامه شرق

گزارش شرق از تغییرات بازار در یک سال گذشته

موج گرانی

گروه اقتصادی : اولین بار صدای اعتراض از حنجره اتحادیه های صنفی بیرون آمد. روسای اتحادیه هایی که کمستر از سوی تصمیم سازان کشور مورد اعتنا قرار می گرفتند همگان به دولت یادآوری می کردند که رئیسش در یکی از روزهای میانی اسفندماه صنفور را وعده داده بود که برای اتخاذ تصمیمات مهم مملکتی از نظرات آنان بهره خواهد برد. اما چرخ زمان آن گونه که بازاریان انتظارش را می کشیدند به گردش درنیامد. اوایل فروردین ماه بود که افزایش قیمت انواع میوه جوی را فراهم آورد تا صدای اعتراض ها بلند شود ولی هنوز برای قضاوت زود بود. این جمله در اواسط اردیبهشت ماه به شاه بیت گفتار روسای اتحادیه های صنفی بدل شده بود. وزارتخانه های دولتی که پرچم آنها را مردان بازرگانی به دوش می کشیدند، گرانی را منکر بودند و افزایش قیمت میوه را حاصل رشد تقاضای یکباره نوروژی می دانستند. آنتی بیوتیک کاهش تعرفه های واردات با سرعت بر عرصه تجارت میوه تزریق شد تا همه چیز به سرچای عادی خود بازگردد. شرایط آرام بود، جلسات هیات دولت برگزار می شد و مصوبات آن از سوی سختگوری دولت به معرض قضاوت عموم گذاشته می شد. افکار عمومی در میان درگیری های ذهنی خود تنها جایی برای مناقشات هسته ای باز کرده بود و اعلام خبر افزایش دستمزد کارگران، رشد قیمت مواد اولیه و رشد میزان تعرفه های وارداتی دغدغه ذهنی کسی نبود. در

ابتدای تیرماه ورق برگشت و این بار گفت وگو در مورد گرانی های فراگیر دیگر مسئله اصلی ذهن ها بود و سایر مباحث به بایگ ها

سپرده می شد. اتحادیه های صنفی به ناگاه بانگ برداشتند که نتیجه عدم توجه به گفتار آنان بوده که چنین سرنوشتی را برای بازار رقم زده است. اما سخنگوی دولت در پاسخ گفت که هیچ کدام از واحدهای دولتی حق افزودن بر قیمت کالاها و خدمات خود را نداشته اند. نمایندگان مجلس نطق های پیش از دستور را به تریبون برای بیان اعتراضات بدل کردند ولی دیگر آب رفته به جوی بازمی گشت. بهای اجاره مسکن در ابتدای تیرماه به نسبت سال گذشته ۲۰ درصد رشد داشته، لوازم خانگی ۴۰ درصد گران شده، مصالح ساختمانی مانند آهن افزایش صددرصدی قیمت را تجربه کرده اند، لبنیات برخلاف مصوبات شورای اقتصاد ۱۵ درصد گران شده اند، مواد پتروئینی با رشد ۲۵ درصدی از جیره غذایی بسیاری از خانواده ها محو شده

است، گوشی تلفن همراه چنان جوشی کرده که هیچ قدرتی برای مهار قیمت آن نیست، برنج ۲۰ درصد، حبوبات ۱۵ درصد گران شده اند، مسکوکات و ارز هر روز گران تر می شوند و این تسادم تحولاتی به شمار می آید که در کمتر از ۳ ماه به وقوع پیوسته است. هنگامی که سکه یک روزه ۵۰ هزار تومان گران شد، به مطبوعات گفته شد که غوغای بی جهت به پا نکنند. رئیس جمهور در جمع خبرنگاران اعلام کرد که در روز مورد اشاره از بازار خبر گرفته اند که هیچ تحولی رخ نداده است. و اما احلا صدای اعتراض ها آتقدیر رسا شده که رسانه های تحت نفوذ دولت را نیز یارای جریان سازی علیه آن نیست.

اما هنگامی که وزیر کشور اعلام کرد که مردم باید آماده گذر از یک دوره ریاضت باشند، باز هم موج انتقادات به سوی دولت روانه شد. هرچند که منظور پورمحمدی گذر از بحران مصرف بترن بود ولی خیلی ها از چنین ابراز عقیده ای پریشان شدند. رئیس شورای اصناف در این مورد می گوید: «جو روانی ایجاد شده می تواند وخامت حال بازار را بدتر کند. « این گفتار از سوی بسیاری دیگر از فعالان صنفی نیز تائید می شود. سخنرانی های پرسروصدای بیش از مصوبات پایه های بازار را متزلزل می سازد.

■ **لبنیات هم گران، هم ارزان**

سروصداها در مورد افزایش قیمت ها اولین بار از بازار لبنیات که شهروندان به شکل روزانه با آن درگیر هستند، برخاست. افزایش خارج از عرف بهای لبنیات به ناگاه بانگ اعتراض ها را بلند کرد. شاخص بهای عمده فروشی انواع مواد خوراکی در تیر ماه سال ۱۳۸۴ به قیاس مدت مشابه یک سال قبل آن رشد متوسط ۶/۷ درصدی را شاهد بوده است ولی در سال ۱۳۸۵ این میزان افزایش به طور متوسط به حدود ۲۲ تا ۳۵ درصد رسیده است. در تیر ماه سال ۱۳۸۴ بهای لبنیات حدود ۶/۸ درصد در قیاس با مدت مشابه سال قبل از آن افزایش داشته ولی داستان سال ۸۵ به گونه دیگری رقم خورده است. وزارت بازرگانی اعلام کرده که هیچ کدام از واحدهای تولید کننده لبنیات حق ندارند که بیش از ۱۲ درصد بر بهای محصولات خود بیفزایند. اما اخیرا رسمی حاکی از رشد ۲/۱۵ درصدی بهای انواع لبنیات در تیر ماه سال ۸۵ است. وزیر امور اقتصادی و دارایی می گوید که تمام واحدهای تولید لبنیات دولتی ملزم شده اند که براساس مصوبه

شرق

خوب وزود

یادداشتی از سیمین بهیانی

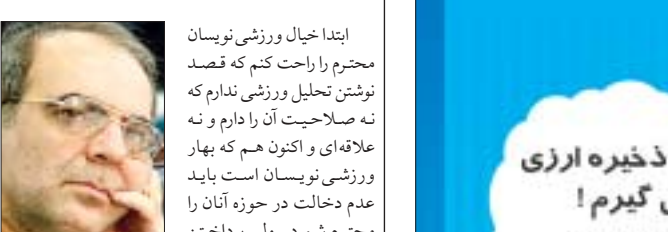
سال ۱۳۴۵ ساکن تهرانپارس بودم و همسایه هنرمند صاحب نام، زنده یاد مهدی خالدي. این ویولنیست گرانمایه یک روز، عصر تابستان، نزد من آمد و آهنگی را برآیم نواخت و گفت اگر بتوانی برای این آهنگ شعری تهیه کنی، خوشحال می شوم زیرا از چند نفر خواهش کرده ام و در پسندم نیفتاده است. من آهنگ را روی نوار ضبط کردم و پس از رفتن خالدي چندبار به آن گوش دادم. آهنگ بسیار زیبا بود اما در آغاز فرازهای اول هشت بار یک نت تک افتاده یک میزانی... .

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی های شرق ویژه استان تهران ۱۵۰ تومان

سرمقاله

زنده باد فوتبال

عباس عیدی



ابتدا خیال ورزشی نویسان محترم را راحت کنم که قصد نوشتن تحلیل ورزشی ندارم که نه صلاحیت آن را دارم و نه علاقه ای و اکنون هم که بهار ورزشی نویسان است باید عدم دخالت در حوزه آنان را محترم شمرد. ولی پرداختن

به سیاست با استفاده از فوتبال امری غیرمنتظره نیست و چه خوب بود که فوتبال نویسان هم در بهار سیاست یعنی انتخابات، وقایع آن را با قواعد و مقررات فوتبال ارزیابی می کردند، و قطعاً چنین اسری اقدامی مورد توجه و خواندنی بود.

زنده باد فوتبال؛ چرا که بیش و پیش از هر چیز واقعیت سیاست جامعه ایران و حتی واقعیت های غیرسیاسی ما را به خوبی نشان می دهد، قبل از همین روزنامه آقای دکتر فکوحی و آقای دکتر مولایی دو مطلب خواندنی در این زمینه نوشته اند، و شاید دیگران هم چنین کرده اند و بنده اطلاعی ندارم، اما هر چه بنویسم احتمالاً باز هم جای نوشتن دارد، هر چند به خوبی قبلی ها نویسیم. فوتبال و سیاست در ایران دارای وجوه مشابه و متفاوتی هستند و از روی این وجوه می توان سیاست را در ایران بهتر شناخت.

۱- در فوتبال هر چه بکاریم در اولین فرصت و با وضوح و شفافیت درو می کنیم و البته در سیاست و اقتصاد هم همین طور. اما در فوتبال محصول را نمی توان انکار کرد، ولی در سیاست می توان، زیرا نتیجه بازی فوتبال در رقابتی قانونمند و در نگاه عام شکل می گیرد و داوری مستقل و خارج از ما آن را قضاوت و حکم صادر می کند، اما در سیاست این گونه نیست و در این وضعیت باخت و شکست معنی ندارد و همیشه یکی از دو حالت پیروزی و پیروزی در انتظار است. وقتی که در سیاست می توان نتیجه انتخابات را وارونه تعبیر و تفسیر کرد و حتی افراد به ظاهر منطقی نیز شکست را پیروزی خود معرفی کنند، از افراد غیرمنطقی دیگر چه انتظاری داریم. و اگر هم به دلیلی در سیاست شکست معنی پیدا کند، در تحلیل آن آتقدیر زمین و زمان و دست های و نهان به هم بافته می شود که روی افاق از این همه توجیه سفید می شود.

۲- پیروزی در ایران هزار پندر و مادر دارد و برای شکست دریغ از یک نامادری و ناپدری یا حتی دایه. اگر تیم پیروز شد، صدا و هژاران پیام تبریک از چپ و راست، بالا و پایین نثار می شود که به معنای دیگر این پیروزی ها را به نام خود نوشتن است، ده ها نشست و جایزه ریز و درشت با آب و تاب تقدیم می شود و چه بسیار آدم هایی که خود را عهده دار این پیروزی ها معرفی می کنند و اما اگر شاهد شکست باشیم، این بار به جای هزار پدر و مادر، هزار پاپرس و بازجو میدان دار قضیه می شوند و اتفاقاً اکثر اشخاص که در هنگام پیروزی، طبلبکار می شدند، در صورت شکست هم مدعی درجه اول می شوند. به بیان حقوقی باید گفت که این اصل بدبهی حقوق که «هر کس غنیمت می برد، غرامت می پردازد» در ایران حاکم نیست و به قول معروف در این جا جام می و خون دل هر یک که به کسی دادند، عده ای همیشه غنایم را تقسیم می کنند و عده ای غرایم را.

۳- وجه تشابه دیگر فوتبال و سیاست این است که در هر دو مورد برای ناکامی ها جاز و جنجال زیادی صورت می گیرد، البته در هر دو مورد نیز این جاز و جنجال ها لزوماً علیه مسئولان ناکامی نیست، چه بسا مسئولان ناخامی نیز جاز و جنجال کنند، گرچه این فضا سازی ها خیلی شدید است، اما به سرعت فروکش می کند و به طاق نسبیان گوییده می شود و در مواردی هم که برای اثبات جدیت امر کمیته ای تشکیل می شود، گزارش آن یا درمیی آید یا برحسب مصالح حقّیه چنان مله می شود که خوانونده نمی فهمد چه کسی و چه عواملی موجب شکست بوده است و حتی بر فرض محال چنین نتیجه ای هم حاصل شود هیچ درسی برای برنامه های آینده از آن گرفته نشد.

۴- در هر دو مورد فوتبال و سیاست با باید تکريم و تمجيد کرد يا تخریب، قبل از باخت انتقاد تحمل نمی شود، باید یار دوازدهم بود و بازیگران را کمک کار، تا مبادا خدای نکرده روحیه لطیف افراد ضربه ای ببینند، حتی اگر روشن باشد که راه خطایی در پیش است، پس از شکست و ناکامی هم که دیگر جای انتقاد باقی نمی ماند و باید طبعاً کاری جز تخریب و حمله و... نمی ماند، حتی اگر لازم شد مغازه افراد را هم تخریب می کنند چه رسد به خودش!

ادامه در صفحه ۴



در جهان تبدیل خواهد شد. بنابراین گزارش، ایران در سال گذشته ۲/۱ میلیون تن برنج سفید تولید کرده است که این رقم در سال جاری امری تغییری نخواهد کرد. فائو در عین حال واردات برنج به ایران در سال گذشته میلادی را بیش از یک میلیون تن ارزیابی کرده است. بر اساس این گزارش، در سال گذشته ۳/۱ میلیون تن برنج سفید در ایران مصرف شد که برآورد می شود این رقم در سال جاری میلادی به ۳/۳ میلیون تن افزایش یابد. سازمان جهانی خواروبار و کشاورزی (فائو) با اعلام اینکه حجم ذخایر برنج در ایران در پایان سال ۲۰۰۵ میلادی ۵۰۰ هزار تن بوده است، این رقم را در پایان سال جاری میلادی ۷۰۰ هزار تن ارزیابی کرده است. فائو در ادامه این گزارش تصریح کرد: افزایش واردات برنج توسط کشورهایی چون ایران، عراق و فیلیپین موجب رشد قیمت جهانی این محصول شده است. این گزارش در پایان افزود: تایلند که بزرگترین صادرکننده برنج در جهان است، در سال گذشته ۷/۵ میلیون تن برنج صادر کرد و در عین حالی که صادرات برنج تایلندی به برخی کشورها در سال جاری کمتر پیش بینی می شود، ولی افزایش صادرات این محصول به عراق و ایران در سال جاری حجم صادرات برنج این کشور را در سطح ۷/۵ میلیون تن حفظ خواهد کرد.

حبوبات پشور گرانی

وقتی قرار باشد بهای تمام محصولات غذایی سیر صعودی را پیش گیرند، حبوبات نیز از قافله عقب نخواهند ماند. در حالی که به گفته مسئولان جهاد کشاورزی کشور از نظر تامین این مواد مشکل خاصی ندارد ولی بهای حبوبات دچار رشد فاحشی در قیاس با سال گذشته شده است. در روزهای منتهی به تیرماه سال ۸۴ شاخص افزایش قیمت حبوبات در حدود ۲/۱۵ درصد به نسبت سال ۸۳ رشد داشت ولی داستان سال ۸۵ به گونه دیگری بود. در روزهای گرم تابستانی سال ۸۵ بازار دادوستدهای حبوبات روزگار جدیدی را پشت سر می گذارد. میزان افزایش قیمت ۴ محصول پرمصرف این بازار یعنی لوبیا، عدس، نخود و لپه در تیرماه سال جاری به حدود ۴۵ تا ۵۰ درصد به نسبت سال ۸۴ می رسد. متوسط افزایش قیمت حبوبات در بهار سال گذشته نیز رقمی در حدود ۲/۶ تا ۳۵ درصد نوسان داشت ولی حالا به نظر می رسد که ورق برگشته باشد. در حال حاضر هر کیلو لوبیا به بهای یک هزار و ۴۰۰ تومان، هر کیلو عدس به بهای ۹۰۰ تومان، هر کیلو نخود به بهای یک هزار و ۲۰۰ تومان به فروش می رسد که تمام این قیمت ها به نسبت تیرماه سال ۸۴ در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان افزایش داشته اند. فعالان بازار اعتقاد دارند که فعالیت های عده ای از تجار

